

سیاست جنایی حاکم بر جهانی شدن آئین دادرسی کیفری

ولی الله بابایی راد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۰

محمود مالمیر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۸

چکیده

جهانی‌سازی حقوق کیفری در عصر حاضر، موجب بسط و گسترش موضوعات مهمی در حوزه حقوق بین‌المللی کیفری نظیر: صلاحیت جهانی، سازوکار همکاری جهانی در پیشگیری جرایم و مهمتر از همه کشف، تعقیب، دادرسی و مبارزه با جرایم جهانی شده است. این اتفاق که یکی از نتایج مسلم جهانی شدن و توسعه لیبرالیسم است به نوبه خود بر قوانین کیفری شکلی اکثر کشورها تاثیر گذار بوده است؛ در طرف نیز مقابل مقررات کیفری شکلی کشورها می‌تواند موجب تسریع یا حتی توقف فرایند جهانی شدن حقوق کیفری باشند.

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است و تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون خواهد بود. نتایج تحقیق حاکی از این است که مبانی جهانی شدن حقوق کیفری شکلی موجب وحدت برخی اصول آئین دادرسی کیفری در مقررات داخلی اکثر کشورها شده که نشان از بروز جهانی سازی در این عرصه دارد لیکن قواعد ناظر بر مقررات شکلی داخلی، از اتصال جهانی مقررات کیفری به هم و سرعت جهانی شدن حقوق کیفری می‌کاهد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، حقوق کیفری شکلی، آئین دادرسی کیفری

-
- ۱ - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
 - ۲ - دانشیار و عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

malmir2024@yahoo.com

درآمد

جهانی شدن، پدیده‌ای چند وجهی است، متشکل از فرایندهای پیچیده و مرتبط با هم که تحولات فراوانی را به دنبال دارد. مارتین شاو در تعریف آن می نویسد: مجموعه‌ای منظم از فرایندهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و نظامی متفاوت ولی مرتبط که از طریق آنها روابط اجتماعی به سوی قلمروی جهانی با اهداف جهانشمول در طول زندگی بشری سوق یافته است. (Shaw, 2011, p 498). بر این اعتبار، جهانی شدن حقوق کیفری نیز یکی از آورده‌های فرایند جهانی شدن حقوق است که بنا به عواملی چون جهانی شدن جرم و توسعه حقوق بشر جایگاه امروزین خود را یافته است چراکه با تسخیر زمان و مکان توسط بشر و به دنبال آن ظهور پدیده جهانی شدن جرم، فرصت‌های جدید بزهکاری با ماهیت جهانی نیز به وجود آمده است.

جهانی شدن حقوق کیفری به نوبه خود بر فرایند جهانی سازی تاثیر مستقیم داشته و آن را تسریع می بخشد. نگاهی به اسناد بین المللی کیفری موید این موضوع است که نظم کنونی، جهانشمولی قواعد اساسی کیفری را پذیرفته است. باری متولیان حقوق کیفری نظراتی بر رد و تعدیل جهانی سازی یا جهانی شدن آورده اند.

جهانی شدن امری اجتناب ناپذیر و مطلوب است که با تضعیف مرزها جغرافیای اجتماعی را به گونه‌ای تغییر می دهد که موارد داخلی و خارجی در هم آمیخته می شوند. در واقع مواجهه با مساله جهانی شدن به طور جالبی به امری اجتناب ناپذیر بدل شده و تمامی افراد جامعه در هر سطح از زندگی و آگاهی، به نوعی با این مساله مواجه هستند. بنابراین موضوع جهانی شدن در جامعه کنونی به امری مهم و گسترده بدل شده که هیچ حد و مرزی نمی شناسد و به سرعت در حال نفوذ در سرتاسر جوامع است. در این رابطه منابع مختلفی نشر یافته است تا به این وسیله اطلاعات بیشتری به جهانیان داده شود برای اینکه بدانند در این موج خروشان چگونه و به چه صورت شناور باشند تا از معرض غرق شدن تا حدی در امان بمانند. مسئله جهانی شدن یکی از بحثهای رایج در دنیای سیاست، فرهنگ و اقتصاد است. اما اختلافات زیادی در مورد مخالفان و همچنین مردم وجود دارد. جهانی شدن چه چیزی است، از کجا شروع شده و تفاوت آن با جهانی شدن یکی از بحث برانگیزترین موضوعات است. اختلاف نظر در مورد جهانی شدن با این مفهوم آغاز می شود که بسیاری از مردم ایده‌های خود را در مورد جهانی سازی بیان می کنند بدون اینکه منظور آنها را

مشخص کنند. دلیل تفاوت در مفاهیم جهانی شدن به دلیل تعاریف مختلفی است که از آن ناشی می شود.

مبحث نخست: بازشناسی جهانی شدن از جهانی سازی

امروزه جهانی شدن به مثابه‌ی آخرین مرحله از توسعه‌ی نظام سرمایه‌داری از بسیاری جهات با جهانی سازی پیوند خورده است. اما نکته‌ی کلیدی در فهم پدیده‌ی جهانی شدن آن است که بایستی میان این دو مفهوم تمایز قائل شویم. بدین منظور می بایست بدواً مفاهیم جهانی شدن و جهانی سازی مورد واکاوی قرار گیرند.

الف) ماهیت جهانی شدن

جهانی شدن را در تعریفی نسبتاً فارغ از ارزش گذاری می توان به صورت مجموعه‌ای از تعبیرات کلان در نظر گرفت که منجر به افزایش مناسبات متقابل جهانی و فشرده شدن دنیا فارغ از ایدئولوژی خاص می گردد. (صادقی بروجنی، ۱۳۹۲: ۲). اما جهانی سازی یک نظام ایدئولوژیک و گفتمان است که ارزش‌ها، هنجارها و معانی خاصی را - در دوران حاضر نولیبرالیسم - به جهانی شدن نسبت می دهد.

بنابراین ، جهانی شدن قانون کیفری به عنوان مجموعه ای از تغییرات و با هدف ایجاد جامعه ای در سطح جهان از دهه شصت و منجر به ظهور جامعه ای فراتر از جوامع ملی و کل انسانها شده است که از آن به جهان تفسیر می شود. این تغییرات فقط یک ایده نبود. بلکه از طریق خردگرایی ، نظام سرمایه داری ، پیشرفت های فن آوری و ارتباطات ، زندگی بشر را در زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، حقوقی ، فرهنگی و محیطی تحقق بخشیده و بازتعریف کرده و از این رو قوانین کیفری نیز در روند جهانی شدن تحت تأثیر قرار گرفته است. .

با توجه به روابط بین سیستم های سیاسی و حقوقی کشورها ، می توان دریافت که سیستم های عدالت کیفری هماهنگ هستند. به عبارت دیگر ، دموکراسی جهانی باعث می شود گروهی از هنجارها به همین ترتیب جهانی شوند ، که از نظر ویژگی های ساختاری ، منجر به ایجاد نظم عمومی بین المللی و جهانی شده است و بشر نقش محوری در این امر داشته است ، و بنابراین حاکم است. از آنها به عنوان حقوق بشر یاد می شود که به نوبه خود بر

قوانین کیفری تأثیر گذاشته است. علاوه بر ضرورت‌ها و نیازهای جامعه جدید، از جمله خطرات و تهدیدات مجرمان، که نیاز به مبارزه پیشگیرانه و قانونی دارد. علاوه بر این، مراکز موجود وجود دارد که نقشی جهانی در امور انسانی دارند، از جمله حقوق کیفری. این منابع به دو قسمت تقسیم می‌شوند: منابع نظم محور، از جمله جرایم و مجازات‌ها و دوم، منابع عدالت محور، از جمله قواعد عمومی حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری. (جوانمردی صاحب، ۱۳۸۳: ۱۲).

۱- جهانی شدن حقوق کیفری در بوته علت شناسی

دلایل و عوامل متعددی در روند جهانی شدن حقوق کیفری نقش دارند. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱-۱- توسعه حقوق بشر

پس از خاتمه جنگ‌های جهانی و تولد مقررات حقوق بشر، این انگاره در کشورهای جهان به وجود آمد که برخلاف تفاوت‌های عمیق سایی، فرهنگی، اقتصادی و ... در بسیاری از حقوق، تکالیف و آلام مشترک هستند. احترام به کرامت ذاتی انسان و پاسداری از حقوق فطری بشر، موضوعاتی بود که نیاز به صیانت از آن هر لحظه احساس می‌شد. از سوی دیگر، گرایش دولت‌ها بر اساس رهنمودهای سازمان ملل متحد به رویکردهای پیشگیری از جرم، موجب شد تا به منظور شناسایی و تبیین مبانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و رویکرد آن‌ها در پیشگیری از جرایم جهانی شده است.

۱-۲- دیوان بین‌المللی کیفری

وجود دادگاه کیفری بین‌المللی یک دستاورد بزرگ برای جامعه جهانی است و نقش مهمی در ناامن شدن هرچه بیشتر جهان برای جنایتکاران بین‌المللی دارد. با نگاهی به اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، مزایا و ملزومات پیوستن به این دادگاه از همان ابتدا مشخص می‌شود. با این حال، اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، مانند هر سند بنیانگذار دیگر، دارای نقاط قوت و ضعفی است که باعث می‌شود کشورها این نقاط ضعف و قوت را برای پیوستن یا خودداری از پیوستن به آن در نظر بگیرند. بنابراین پیوستن به دیوان این مزیت را دارد که به عنوان یک کشور عضو می‌توان علیه متجاوزان در کشور شکایت کرد.

۱-۳- جرایم جهانی

جنايات جهانی با انگیزه سود و خشونت صورت می گیرد و در سراسر جهان سازماندهی می شود و با هدف قرار دادن عزت و امنیت انسانی و حقوق اساسی انسان، امنیت جهانی را تهدید می کند و انسان را از حق امنیت محروم می کند. دولت ها نیز به تنهایی و بدون توسل به اتحاد و اجماع جهانی، قادر به پیشگیری از این جرایم نیستند. (بارانی، ۱۳۹۲: ۴۸).

۲- الگوهای متداول در اجرای جهانی شدن حقوق کیفری

در روند جهانی سازی حقوق کیفری، ابتدا باید هنجارها و قواعد حقوقی مشترک با کمک قانون مقایسه کشف یا اختراع شود. ظهور قوانین مشترک بیش از هر چیز تحت تأثیر نیازها و ملزومات مشترک زندگی بین المللی بشر است. در این مرحله، حقوق بین الملل، از طریق سازمان های بین المللی یا تنظیم معاهدات، زمینه لازم را برای پیشرفت جهانی سازی قانون فراهم می کند. در مرحله بعدی، هنجارهای مشترک از طریق سیستم های حقوقی داخلی به قوانینی برای سیستم های حقوقی تبدیل می شوند. لذا، روشهای جهانی سازی به طور کلی از طریق دو مسیر وحدت و هماهنگی پدیدار می شوند.

۲-۱- یکسان سازی

توسل به سیاست یگانه سازی قواعد حقوق کیفری شکلی، فقط در صورتی امکان پذیر است که سیستم های حقوقی مورد بحث بر اساس همان حکمرانی و فرهنگ و آداب و رسوم یکسان و حتی وضعیت اقتصادی یکسان باشد. تشکیل یک سیستم واحد بر اساس این وضعیت به یکی از دو روش انجام می شود:

- تعیین اصول و معیارهای لازم الاجرا در همه نظام ها و تعیین یک نظام حداقلی.
 - تنظیم و تصویب مجموعه واحد از قوانین و اجرای آن در همه کشورها.
- در حقیقت ارائه این راهکارهای دوگانه، به دلیل وجود قواعد و مقررات عدیده در عرصه جهانی می باشد.

۲-۲- هماهنگ سازی

در هماهنگی، جهانی سازی حقوق کیفری بر اساس اصول استراتژیک مشترک پیش می رود. بنابراین می توان گفت که اساس اساسی هماهنگی شناسایی اصول کیفری مشترک و قابل قبول است. در این راستا، ما باید به سراغ اصول و قواعدی برویم که از سوی جامعه بین المللی پذیرفته شده است. مسئله حقوق بشر و تبلور آن در اسناد منطقه ای و بین المللی می تواند بهترین ابزار برای شروع هماهنگی باشد. معیارهای بین المللی حقوق بشر در بیش از هفتاد معاهده، کنوانسیون و معاهده گنجانده شده است. این استانداردها که نشان دهنده حداقل سطح قانون عادی است، می تواند مبنای خوبی برای هماهنگی در بسیاری از زمینه های حقوق کیفری باشد.

ب) ماهیت جهانی سازی

جهانی سازی نوعی دیگری از جهانی شدن است که برخی از اندیشمندان آن را پروژه ای می دانند که نظام سرمایه داری آن را به منظور تسلط بر جهان طراحی کرده است. بر اساس این نظریه جهانی شدن موجب فقیرتر شدن فقرا و ثروتمندتر شدن اغنیا می داند. در این نوع از جهانی شدن، خصوصیت اصلی نظام جهانی، انباشت سرمایه است و انباشت سرمایه بر اساس تقسیم کار واحد جهانی و تقسیم جهان به مناطق مختلف صورت می گیرد. « در این نظام جهانی، دولت ها در حکم دستگاه های متمرکزی عمل می کنند که برای استیلا بر کارگران در جهت خدمت تولید سرمایه داری عمل می کنند»^۱

این نظام از یک سو بین کشورهای مرکز درست به سیاست موازنه قوا زده تا هیچ دولتی بر دیگری برتری قاطعی پیدا نکند و از طرف دیگر با سیاست های امپریالیستی یا استعماری، مکانیسم هایی برای انقیاد سیاسی مناطق پیرامونی به وسیله دولت های مرکزی ایجاد کردند. همانگونه که والرشتاین در نتیجه آن می گوید «این سیاست ها به خصوص برای فرایند مبادله نابرابر و ایجاد پرولتاریا، که هسته مرکزی فرایندهای توسعه سرمایه داری را تشکیل می دادند اهمیتی حیاتی داشتند.

^۱ . سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر) / هویت های ملی و جهانی و نظام بین الدولی / ایمانوئل والرشتاین.

جهانی سازی از این طریق به حوزه فرهنگ نیز سرایت می کند تا با ایجاد یک فرهنگ جهانی ، یک سیستم سرمایه داری جهانی را حفظ کند و به نوعی با تضادها ، ابهامات و پیچیدگی واقعیت های سیاسی این سیستم کنار بیاید. والرشتاین در توضیح این فرهنگ می گوید: "تا حدی ما این کار را با ایجاد مفهوم فرهنگ به عنوان تأکید بر واقعیت های تغییرناپذیر جهان که به طور مداوم در حال تکامل هستند ، انجام داده ایم." تا حدی این کار را با ایجاد مفهوم فرهنگ به عنوان توجیهی برای بی عدالتی های سیستم با تلاش برای ثابت نگه داشتن آن در جهانی که دائماً در معرض تهدید تغییر است.

ج) تمیز جهانی شدن از جهانی سازی در حقوق کیفری

اول: جهانی شدن حاکی از پروسه و فرایندی اجتماعی است که به صورت ناخواسته و غیرارادی در سطح جهان شکل گرفته است و در حال توسعه است در حالیکه جهانی سازی متضمن پروژه است و هدف آن ارایه راهکارها و قواعد و اصولی است که مسیر جهانی شدن را تسهیل نموده و موانع و مشکلات پیش روی آن را از بین ببرد. (جعفری، ۱۳۹۰: ۴۲).

دوم: جهانی شدن فرایندی است که بتدریج و از بدنه های پایین اجتماع شکل گرفته و توسعه می یابد و به همین دلیل عبارت جهانی شدن از پایین را برای آن استعمال می نمایند، در حالی که جهانی سازی حالت تغییر از بالا و راس هرم را شامل می گردد و به همین دلیل برخی آن را جهانی شدن از بالا می دانند.

سوم: تقدم و تاخر زمانی میان این دو نهاد وجود دارد به گونه ای که همیشه جهانی سازی متاخر از جهانی شدن است.

چهارم: جهانی شدن در مسیر پیشرفت و توسعه خود هیچ محدودیتی را نمی پذیرد و هر حوزه ای را که اعضای جامعه جهانی برای استفاده بهینه از امکانات متعدد جهانی ضروری بدانند در بر می گیرد در حالی که جهانی سازی محدود به رعایت اصول و قواعد پذیرفته شده جامعه جهانی و تلاش در جهت ایجاد پیوند میان آنها با آثار جهانی شدن است. (جعفری، ۱۳۹۰: ۴۳).

آخرین: و مهمترین مطلب اینکه جهانی سازی خود یکی از آثار مهم جهانی شدن است و چنانچه بیان گردید به منظور تسهیل روند امور و سیر حرکت جهانی شدن ایجاد می گردد. لذا وقتی در پژوهش از نقش دیوان در جهانی سازی حقوق کیفری صحبت می شود، مفهوم ضمنی آن، پذیرش جهانی شدن حقوق کیفری حداقل در بخشهای متعددی آن است و هدف

از نوشتار حاضر تحلیل این مطلب است که آیا دیوان می تواند پروژه ی مفیدی برای تسهیل مسیر حرکت پروسه ی جهانی شدن حقوق کیفری در قالب جهانی سازی باشد^۱؟

(د) تقابل جهانی شدن و جهانی سازی در عصر جدید

جهانی گرایان معاصر (طرفداران جهانی سازی) با نامیدن این جنبش ها تحت عنوان «ضد جهانی شدن» سعی دارند چنین وانمود کنند که استراتژی مورد نظر این جنبش ها، یک استراتژی ناتوان کننده است و نه توان بخش (Hamel et al, 2001:30). آن ها این گونه وانمود می کنند مخالفان جهانی سازی خرابکارانی هستند که با پیشرفت علم و تکنولوژی، آزادی تجارت، دموکراسی و توسعه اقتصادی مخالفند (ICC, 2001).

اصطلاح «ضد جهانی شدن» با منحرف ساختن توجه افکار عمومی از پیام انتقاد آمیزی که تظاهرکنندگان سعی در مطرح نمودن آن در گستره عمومی دارند، به صورت ابزاری برای تداوم مناسبات و روابط حاکم قدرت و در جهت خدمت به گروه های نولیبرال حاکم به کار می رود (Smith, 2001).

مهم ترین و پر رونق ترین خط فکری در میان جنبش های مخالف جهانی سازی را می توان بین جنبش هایی یافت که خواستار «جهانی شدن از پایین» هستند. این رویکرد در نقد تصریح روند فعلی «جهانی شدن از بالا» شکل گرفته است. منظور از جهانی شدن از بالا، روند فعلی جهانی شدن است که تحت هدایت شرکت های چند ملیتی، تکنوکرات ها، مدیران اجرایی شرکت های بزرگ و به طور کلی «بورژوازی جهان» قرار دارد. در این نگاه جهانی شدن آخرین مرحله از توسعه ی سرمایه داری است که وجه مشخصه آن تجدید ساختار سرمایه داری، افزایش شیء شدگی عرصه های مختلف حیات اجتماعی، افزایش تحرک جریانات جهانی سرمایه و افزایش اهمیت نهادهای چند جانبه ی مالی از قبیل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی است (Kiely, 2003:14).

^۱. (نوع پرست، زهرا، جهانی شدن و حقوق کیفری بین المللی، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ی ۱۷۹ و ۱۸۰، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶ به بعد. همچنین دکتر توحیدی فرد، محمد، فرایند جهانی شدن حقوق کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۲۱، ۱۳۸۱، ص ۳۷ به بعد)

^۲. Vanda lists

مبحث دوم: حقوق جزای شکلی جهانی در آیین اساسنامه رم

الف) ماهیت جهانی حقوق جزای شکلی

یکی از اهداف اصلی اساسنامه حفظ حقوق و آزادی های بشری در تقابل میان قدرت و آزادی است. وقتی هدف مذکور را در کنار جمله ی شیوای زیر از ماریو پاگانو حقوق دان شهیر قرن هجدهم میلادی قرار می دهیم: هنگامی که وارد سرزمینی ناشناخته می شوید و می خواهید بدانید که آنها چه ارزش و اعتباری برای حقوق و آزادی های فردی در آن سرزمین قائل هستند، به حقوق رسمی و به ویژه این رویه آن کشور مراجعه کند. (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۷۳). اهمیت و ارزش حقوق شکلی در تحقق هدف فوق غیر قابل انکار به نظر می رسد. زیرا نهادی که به دنبال حمایت از حقوق فردی است اگر از ابزار مناسب شکلی برای عمل استفاده ننماید، نه تنها در دستیابی به این هدف موفق نخواهد بود بلکه ممکن است اثر معکوس به جای گذاشته و سبب تضییع حقوق افراد و امتزاج سره یا ناسره، صحیح از سقیم و ناکرده بزه از بزهکار شود.

از آغاز پیدایش نهضت های بشری و اسناد بین المللی حاوی حقوق بشر در جهان به برخورداری اشخاص از اصل وزین برائت و همچنین ساختاری عادلانه و منصفانه در مسیر اثبات اتهام اشاره فراوانی شده و مواد و تبصره های بسیار زیادی در این خصوص توسط اجاع کامل یا جزئی اعضا جامعه جهانی به رشته تحریر در آمده است.

این شاخه از حقوق کیفری که تامین کننده اهداف عدالت جویانه اساسنامه به شیوه ی مورد پذیرش نویسندگان و حقوق دانان نیز است چنانچه لورد هوپ عنوان می نماید: (اجرای صرف عدالت کفایت نمی کند بلکه اجرای عدالت باید عمومی و قابل رویت باشد) (دلماس مارتی، ۲۰۰۲: ۲۹۰). به طوری که ناظران، اول از همه، با دیدن عملکرد عادلانه و منصفانه آن، آرامش خاطر دارند. دوم، جنایتکاران بالقوه مرعوب شده و با توجه به ابزار دقیق عدالت، هرگز به فکر انجام افکار انحرافی نیستند. زیرا بهترین روش و ساختار برای عینی سازی اجرای عدالت قرار دادن آن در روندی است که اصول منصفانه و منصفانه به بهترین وجه رعایت می شود.

یکی از اصلی ترین اعتراض ها به دادگاه های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی و رواندا، احساس انتقام جویی احساسی و واکنش سریع تهاجمی آنها بود. به همین دلیل منتقدین از این محاکم تحت عنوان «عدالت فاتحین» یاد نموده (William, 2002 /Pp/1-35) و احکام

آن از نظر دستیابی به اهداف عالی عدالت کیفری جهانی ارزیابی نمی شود. متأسفانه، این انتقاد زمانی تقویت می شود که با اقدامات غیراستاندارد همراه باشد و در مراحل بررسی از اصول و قواعد دادرسی عادلانه بهره مند نشود و به راحتی از حقانیت آنها پرسش شود در نظر گرفتن تجربه جهانی دادگاه های فوق نشان می دهد که اگر در اجرای عدالت کیفری از ابزارهای ساختاری و رسمی مناسب و مطابق با معیارهای عادلانه و منطقی استفاده نشود، بهترین و ایده آل ترین اهداف محقق نخواهد شد و در شرایط نامطلوب از بین می رود. جهت. بنابراین، برای جلوگیری از میدان انتقام و کنترل آن به روشی قانونی و متعارف، توسل به روندی عادلانه و منصفانه از ضروریات جامعه بین المللی خواهد بود. (Ambos.2003.PP.34-37) و اگر در خلق و ایجاد پل ارتباطی میان جرم و مجازات دقت و حساسیت لازم مصروف نگردد فرشته عدالت به جای عدالت گستری با افزایش احتمال تضییع بی گناهان و ناکرده بزه ها، به ابزاری برای ترویج و گسترش ظلم و جور تبدیل می گردد.

برخلاف مقررات اساسی، که به دلیل تغییر و تناقض با برخی از ارزشهای خاص هر جامعه و تعصب جوامع محلی و داخلی در حفظ ارزشهای داخلی و ملی در پروژه ادغام، قوانین کیفری نباید دارای مشکلات فوق از آنجا که هدف اصلی و نهایی قانون رسمی شناخت حقیقت و واقعیت است، و مطمئناً اقدامات افراد و مقامات در سطح داخلی یا بین المللی واقعیتی انکارناپذیر و تغییرناپذیر است، قضات با اثبات واقعیت ها می توانند به راحتی مفهوم را برای مورد. لذا آنچه در کشف واقعیت و حقیقت اعمال انسانی و فجایع زیانبار ارتكابی علیه انسانها مفید و موثر باشد، اصولاً باید مورد پذیرش کلیه جوامع حقیقت بین و حقیقت جو قرار گیرد و در این مسیر دیگر نمی توان به استناد به مبانی فکری و عقیدتی مغایر از تکالیف ناشی از ابزارهای کاشف حقیقت شانه خالی نمود، مگر در جوامعی که تحت هیچ شرایطی بنا به دلایل و منافع سیاسی حاضر به روشن شدن حقیقت به دلیل شرم آور بودن اعمال ارتكابی سردمداران خود نباشند. البته در چنین جوامعی نیز باید حساب شهروندان معمولی و عادی را از اقلیت حاکم تفکیک نمود چون فرار از حقیقت و تبعات عدالت توسط خود روسا و مقامات چنین جوامعی تعقیب می گردد، زیرا اثبات حقیقت و واقعیت اعمال ارتكابی آنها به تیغ عدالت سپرده خواهند شد.

از سوی دیگر، الزامات ناشی از رعایت قوانین یکسان و یکسان یکسان و یکسان در همه جوامع و دولتهای جهان بدون بدبینی و تردید از دولتهای جهان سوم و در حال توسعه، در

مورد عملکرد ارگانهای جهانی خواهد بود. و سازمانها از آنجا که قوانین رسمی به دنبال تحمیل عقیده با طرز فکر خاص در سطح داخلی نیستند، بلکه روش و روش استاندارد استاندارد مورد نظر را برای کشف حقیقت و عدالت ارائه می دهند، روشهایی که اگر با عقل سلیم سازگار شوند که به دنبال دامنه و دامنه جهانی هستند. اصولاً آنها نباید با حساسیت و مخالفت خاصی روبرو شوند و اجرای یکپارچه آنها باید محور تلاش همه عدالت خواهان باشد.

با توجه به مطالب مذکور در بالا اساسنامه در زمینه تدوین مقررات شکلی عدالت کیفری با چالش مهم و لاینحلی مواجه نبوده و در حقیقت اقدام به بازنویسی مجدد بسیاری از اصول قواعد و هنجارهای شکلی متنوعی نموده (Boister.2002, p.226-227) که در طول قرون به تدریج جوامع بشری را در برگرفته و به دلیل انطباق با ذات انسانی و حقوق و تکالیف ناشی از زندگی جمعی مطلوبیت یافته و رواج گسترده ای پیدا نموده است. البته مزیت اساسنامه نسبت به اسناد قبلی این است که قوانین و معیارهای رسمی لازم برای برخورد با جرایم بین المللی را که قبلاً در چندین سند پراکنده بودند مطابق با نگرش های مدرن جامعه جهانی جمع می کند و سرانجام محصول را ارائه داد. اجرای کامل آن را در سطح قوانین داخلی کشورهای عضو، اطمینان از پیگرد قانونی و پیگرد قانونی عاملان تخلفات جدی انسانی و بشردوستانه به روشی عادلانه و منصفانه تضمین می کند.

بر خلاف حقوق ماهوی که در صورت موفقیت کامل در ایجاد انسجام و همگونی جهانی، فقط سبب جهانی سازی بخشی یا جزیی در ارایه راهکار برای مقابله برای با جرایم بین المللی شده و معمولاً نفوذ و تاثیری در محتوای جرایم داخلی و عادی ندارد، مقررات شکلی در صورت رعایت مطلوب و مناسب از جانب کلیه دول و اعضای جامعه جهانی، سبب جهانی سازی کامل و جامع حقوق کیفری شکلی در دنیا بدون تمایز میان حقوق ملی و بین المللی می گردد. زیرا وقتی در اثر الزامات قواعد و هنجارهای این حوزه از حقوق کیفری، ساختارها و ابزارهای حصول به عدالت در کشوری دچار تغییر اساسی شده و منطبق بر معیارهای بین المللی گردد، تبعات این تحول و تغییر مثبت قطعاً رسیدگی های داخلی و محاکمات مربوط به جرایم معمولی را نیز در کنار جرایم بین المللی در برخواهد گرفت.

چون هم از لحاظ نظری و هم در عمل، تفکیک حتی اگر مطلوب سیاستمداران کنج اندیش باشد، امکان پذیر نبوده و دول یا باید تکالیف ناشی از رعایت اصول دادرسی منصفانه و عادلانه را در کل کشور پذیرفته و اعمال نماغید یا کلاً از پذیرش تعهدات آن

استنکاف نموده و خود را در سطح بین المللی دولتی ناتوان و عاجز از رسیدگی عادلانه و منصفانه نشان دهد.

ب) معیارهای جهانی حقوق جزای شکلی

معیارهای جهانی حقوق جزای شکلی در قالب اصول و هنجارهای متعددی متبلور شده و تقریباً همه جنبه های رسیدگی، تعقیب، تحقیق و اجرا را شامل می گردد، اما در این میان برخی از آنها، به زیر ساخت های دادگستری و قوه قضاییه مربوط شده و برخی نیز مستقیماً به رسیدگی های و عملکردها محاکم در برخورد با بازیگران اصلی صحنه کیفری (متهم، دادستان، زیان دیده) مربوط می شوند.

در اساسنامه به طور مختصری در باب همکاری چنانچه در مباحث آتی تشریح خواهد شد در ارتباط با ضرورت رعایت اصول و الزامات دادرسی منصفانه توسط دول مطلبی نیامده و دول با تکلیفی الزام آور در این رابطه مواجه نیستند (Antonio.Cassese. The International Criminal Haw)

علیرغم اینکه در خود اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله آن اقدام به ارایه معیارهای پیشرفته و مدرن متعددی در تبیین فرایند رسیدگی به جتایات بین المللی توسط دیوان شده است و دادستانی و شعبات دیوان در فعالیت عملی خود ملزم به رعایت همه آنها بوده و سهل انگاری در انجام تکلیف فوق، تبعات حقوقی شدیدی را به دنبال دارد. اما همانند اغلب مقررات اساسنامه و با توجه به اصل صلاحیت تکمیلی، دولت ها برای اینکه بر اساس مقتضیات اصل مذکور امکان رسیدگی به جنایات بین المللی را کسب نمایند، باید کلیه اصول و قواعد شکلی اساسنامه و اسناد مرتبط آن به ویژه اصول دادرسی و ادله را وارد حوزه داخلی نماید. حتی بر اساس بند ۲ از ماده ۱۷ اساسنامه کلیه «اصول دادرسی شناخته شده در حقوق بین الملل» نیز به منظور انجام رسیدگی منصفانه و عادلانه در کنار اصول تصریح شده در مقررات دیوان باید رعایت گردد. در غیر این صورت کشور به عنوان دولت «غیر مایل» یا «ناتوان» محسوب می گردد. (Politi and Gioia.2006.Pp.106.109).

ویژگی مذکور بویژه در دول عضوی که متعاقب عضویت در اساسنامه در حقیقت امکان رسیدگی به جرایم بین المللی مرتبط با خود را به اساسنامه و دیوان واگذار می نماید، با وجدی که مقتضای اعمال حاکمیت و قدرت تمایل به حذف حاکمیت قضایی داخلی را ایجاب نمی نماید، موثرترین عامل محرک در پذیرش اصول و قواعد مذکور محسوب می

شود زیرا حاکمیت قضایی در هرز دولتی یکی از مصادیق اجلای اعمال قدرت است و هیچ دولتی دوست ندارد چنین قدرتی را به دیگری وگذار نماید (Steinberg.2004.Pp.330-333) (بیشتر اصول با توجه به داشتن وجهه و گستره بین المللی از مدت ها قبل تقریبا در اکثر قوانین داخلی کشور ها آمده است، حتی در قانون اساسی برخی از کشور ها رعایت اصول شکلی مذکور به عنوان اصول برتر حقوق کیفری داخلی مورد شناسایی قرار گرفته است. اما رعایت عملی آنها و انطباق دقیق اصول و قواعد با همدیگر و فقدان خلق اصول و مقررات مغایر در قوانین داخلی مشکلی است که بسیاری از دول جهان سوم و در حال توسعه به دلیل نفوذ فراوان سیاست در عدالت، با آن گلاویز هستند.

ماله قابل توجه و تاثیر گذار بعدی در ارتباط با آثار ایجابی اساسنامه در زمینه حقوق شکلی به چگونگی استخراج استاندارد های جهانی حقوق شکلی باز می گردد. در این خصوص به هنگام مذاکرات مقدماتی اساسنامه هر کدام از کشوره ای پیشرفته نظام کامن لا یا سیویل لا معتقدند بودند که به دلیل شایستگی نظام دادرسی آنها، تعیین رژیم منصفانه و عادلانه دادرستی برای محاکمات اساسنامه و در حقیقت برای کلیه محاکمات جهانی مرتبط با جنایات بین المللی باید از این اصول و قواعد آنها پیروی نماید، چنانچه جیمز کرافورد می نویسد: «حقوقدانان کشورها سعی بر آن داشتند تا اثبات نمایند نهادها و قواعد شکلی نظام کیفری آنها از سایر نظام ها برتر است» (Crawford.1995.p.404)

اما گذشت زمان و تقریب اذهان سبب از میان رفتن اختلافات و نیل به وحدت نظر گردید، به طوی که بحث های داغ و پر حرارت مرتبط با نظام کامن لا یا سیویل لا به خلق نظام جدیدی منتهی گردید که از هر کدام از نظام های رسیدگی و تعقیب و تحقیق اقدام به گزینش نهاد هایی نموده که نخست، با اهداف تعیینی اساسنامه مقاربت بسیاری داشته و سبب تقویت روند رو به رشد در جهت نیل به اهداف فوق گردد (Kai.Ambos.p.1)

دوم، به گونه ای باشد که امکان اجرای هماهنگ و یکپارچه آن در کل دنیا و همه سیستم های حقوقی داخلی فراهم شود. سوم، با مبانی و معیار های شناخته شده دادرسی منصفانه جهان هماهنگ و منطبق بوده (Kress.2003.pp.603-610) و در نهایت فاقد هرگونه حساسیت نسبت به معیار یا ضابطه خاصی بوده و هر زمان معیار های موجود را برای احقاق حق و اثبات مفید ندانست، اقدام به حذف یا تغییر آن نماید، یعنی به نحو کامل فارغ از ارزش عمل نماید.

نتیجه گیری

با توجه به امکانات و محدودیت‌هایی که در شرایط کنونی بر سر راه شکل‌گیری هویت‌هایی فراملی قرار دارد، سازمان‌های جنبشی فراملی مانند آی سی سی توانسته‌اند از امکانات نسبتاً مادی خود برای فائق آمدن بر تفاوت‌های هنجاری و ایدئولوژیک در میان گروه‌های مخالف جهانی‌سازی، بسیج‌کنش‌گرایان محلی، ملی و فراملی و ایجاد نوعی حس تعلق به مجموعه‌ی «مخالفین جهانی‌شدن نولیبرالی» در میان آن‌ها بهره‌گیرند. معذالک، گفتمان مسلط نولیبرالی که از طریق رسانه‌های جمعی تحت نفوذ سعی در مخدوش کردن چهره‌ی چالش‌گران ایدئولوژیک خود دارد، تاکنون توانسته با ارائه چهره‌ای منفی و ارتجاعی از این جنبش‌ها، تا حد زیادی از قابلیت تأثیرگذاری آنان بر افکار عمومی، گروه‌های قدرتمند و در نتیجه در روند جهانی‌شدن جلوگیری کند.



منابع

- آشوری، محمد، قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش، از عدالت کیفری (مجموعه مقالات، تهران-۱۳۸۶ ص ۱۷۳)
- بارانی، محمد (۱۳۹۲)، مبانی تعهدات بین المللی دولت ها در پیشگیری از جرایم جهانی شده، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال سی ام، شماره ۴۸.
- پرادل، ژان (۱۳۸۳)، بدنبال جهانی شدن حقوق کیفری، مترجم: محمد مهدی ساقیان، نشریه پژوهش حقوق عمومی، تابستان - شماره ۱۱ (از صفحه ۱۵۹ تا ۱۷۸)، (۲۰ صفحه).
- جوانمردی صاحب، مرتضی (۱۳۸۳)، جهانی شدن حقوق کیفری، رساله دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- Mirille .delmas .marty. Global crime calls for global justice. In.eur.j.cri.cri.l cri jus.vol.10.2002 .p.290)
- George .william .mugwanya .op.cit.pp.767.also .nadia.sadat.the icc and the transformation of international law. Ardeshey .newyork -2002 /pp/1-35)
- Kai.ambos. International criminal procedure .int.cri.l .rev .no .3. 2003 .pp.34-37)
- Neil. Boister .human rights protection in the suppression on conventions. In hr.l.rev.vol.2.2002.no.2.pp.226-227)
- Antonio.cassese. The international criminal law)
- Mauro.politi and federica.gioia. The criminal procedure before the icc:main features .in the l.and par.int.cou.trib .no.5 .2006 .pp .106. 109)
- Richard.h.steinberg.who is sovereign?stan.j.l.vol.40.2004.pp.330-333)
- James.crawford.the ilc adopts a statute for an icc .ame .j.int.l.no .89.1995.p.404)
- Klaus.kress.the procedural law of the icc.j.int.crim.jus.vol.1.2003.pp.603-610)
- Shaw, martin, state of globalization, p 498.

Abstract

The globalization of criminal law in the present age has led to the development of important issues in the field of international criminal law, such as: global jurisdiction, the mechanism of global cooperation in crime prevention and, most importantly, the detection, prosecution, prosecution and fight against global crime. This event, which is one of the obvious consequences of globalization and the development of liberalism, in turn has affected the formal criminal laws of most countries; On the other hand, in the face of formal criminal regulations, countries can accelerate or even stop the process of globalization of criminal law.

This research has been done by descriptive and analytical methods and the analysis of the obtained information will be qualitative and based on the researcher's inference from sources and texts. The results indicate that the principles of globalization of formal criminal law have led to the unification of some principles of criminal procedure in the domestic law of most countries, which indicates the emergence of globalization in this area, but the rules governing domestic criminal law, from the global connection of criminal law to It also slows down the globalization of criminal law.

Keywords: globalization, globalization, formal criminal law, criminal procedure

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی